

28
05
19

۳۰ شنبه
۰۷ خرداد ۱۳۹۸
۲۲ رمضان ۱۴۴۰
شماره ۲۸۳۶

یادداشت

دین ورزی و ضرورت روشنفکری در دین

وقتی به پیامبران می‌اندیشیم، نمی‌توانیم مفتون جنبه نواورانه زیست آن‌ها نشویم. مهم‌ترین کنش اجتماعی آن‌ها در هم‌ریزی عادات فکری و سنت‌های اعتقادی و شیوه‌های زیست مرسوم و مألوف است. پیامبران هم‌زمانی فکری زمانه خود را جابه‌جا کرده‌اند، هم‌زمانی اخلاقی جامعه را تعالی بخشیده‌اند، هم‌زمانی روحی افراد را گسترده کرده‌اند و هم‌زمانی سنتی زندگی را در هم ریخته‌اند. پیامبران به نوعی کارآفرینان و روشن‌فکران عصره‌های اندیشه، عمل و اعتقاد عمومی بوده‌اند. کارآفرینان کسی است که در حوزه فعالیت خود، خط‌شکنی می‌کند و هم‌زمان استانداردهای مالوف و جاافتاده را در هم می‌ریزد. اگر فقط جنبه تحول‌آفرینی فکری پیامبران را بنگریم، به پیامبران روشن‌فکران عصر خویش انداز می‌زنیم. کارآفرینان حوزه‌های اندیشه‌شناسی و استانداردهای اندیشگی ما را جابه‌جا می‌کنند. روشن‌فکر، خط‌خاها امروز و تحولات الزامات آینده را زودتر از عموم مردم می‌بیند و در مورد آن‌ها سخن می‌گوید و هشدار می‌دهد. تفاوت اصلی پیامبران و کارآفرینان و روشن‌فکران در این است که پیامبران انترژی، انگیزه و محتوای حرکت خود را از جذبه و حقی می‌گیرند و اقی زمانه‌ای که آن‌ها جهان دیگر امتداد می‌یافت در حالی که روشن‌فکران و کارآفرینان از انگیزه و محتوای نوآوری خود خبردار و عاطفه می‌گیرند و اقی زمانه‌ای آن‌ها این جهانی است.

آنکون که قرن هاست عصر بعثت پیامان یافته و ختم نبوت اعلام شده است، آیا خدا اجازه خواهد داد این پیامبر شانی به تصادف یا زاراده مغفط طایبان، به انواع انحرافات و خطاهای بشری آلوده شود؟ باید خدایان حکیم در برابر سلسله‌های بعدی که ادبانی آکنده و آلوده از سنت‌های دست‌ساز و مغفط آمیز روشنی گرفتار شده‌اند، مسئولیتی ندارند؟ آیا اجازه می‌دهد برخلافه برکت دین انبیاش همچنان در بستر تاریخ به رنگ خاک و مژه سوز می‌مانی که از آن‌ها می‌گذرد این رودخانه هیچ ایستگاه و دستگاه تصفیه‌گری در مسیر این رودخانه یعنی آفرین و حیات‌بخش قرار نمی‌دهد؟ اگر دین را فقط مجموعه اعتقادی بلکه یک موجود زنده و پویا که در طبقه‌های سیستم‌ها، در بالاترین سطح، یعنی در سطح سیستم‌های مادی، در دراز، دراز، معتقدگار دینی از سوی خالق‌ی که حکیم آمده باشد، باید دینی زنده و نظامی پویا باشد، و گفته را الهی بودن آن شک خواهیم کرد. برآی آنکه دین به مثابه یک نظام زنده عمل کند، باید عوامل پویایی و زندگی در آن تعبیه شده باشد. دین زنده دینی است که همچون بدن ما، هم بتواند تحولات و کنش‌های درونی خود را مدیریت کند و در تعادل بماند، هم بتواند خود را با تحولات روزگار و گردش فصول زمانه جامعه مطابقت دهد تا پایدار بماند. در غیر این صورت، این دین زنده نیست، و زود به زود توانایی‌اش برای پاسخ‌گویی به نیازهای فکری، ایمانی و رفتاری انسان کاهش می‌یابد و زندگی آن‌ها را بر پرهزینه می‌کند. البته از حکمت الهی به دور است که برای انسان‌های زنده، دینی غیر زنده بیافریند. دینی که قرار است انسان زنده را هدایت و مدیریت کند باید زنده باشد. اگر برای باشند دینی الهی دینی زنده باشد، آنگاه نتایج آن به‌زود عواملی برای زنده ماندن می‌خواهد بلکه ابزار و عواملی نیز برای تصفیه و هم تحول مداوم خویش می‌خواهد تا بتواند با تحولات طبیعی دنیای واقع و نیازهای نوظهور جامعه مؤمنان، سازگاری و انطباق بیابد. اینجاست که روش فکران دینی ماموریت می‌یابند و بر اثر عمل می‌شوند و مسئولیتی باری رساندن برای زنده ماندن دین الهی را بازی می‌کنند. روش فکری دینی در واقع نوعی کارآفرینی در اندیشه دینی است که تا دوماه پیش نقش تحول آفرین را بر عرصه ایمان قلبی و کش اجتماعی مردم است. یک دین زنده و پویا همچون یک انسان زنده و پویا هر زمان در ۲ ساعت طلوع و غروب زبست می‌کند. برای تداوم این ۲ ساعت، به کنش‌دهایی نیاز است که وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهند و دین زنده فکران دینی در عمل توانایی تقویت ساخت عقلانی دین و بازی رساندن به تداوم حیات آن را نشان دهند اما این حرکت مرکب حرکتی به یک نهاد تبدیل نشده است. امید می‌رود با موجی از جوانان روش‌فکر دین در که هم‌کنون از جای‌جای حوزه و دانشگاه‌ها سرباز بر آید، نهاد اجتماعی قدرتمند در ایران باشیم. دین فکری فقط مناسک رواج داده باشد، دیگر یک دین زنده نخواهد بود، اگر هر کدام از ساخت عاطفه و عقلش به سستی بگراید. تضعیف روش‌های دینی به منزله کم‌جانی و آسیب‌پذیری دین خواهد بود و این نکته‌ای است که متأسفانه برخی متولیان دین به آن عاقلی ندارند.

درمانده از بی پولی، کلافه از پول داری

درباره دو ویدئو از صدیقه کیانفر و بهاره رهنما که در فضای مجازی جنجالی شده‌اند



در این چند روزی که گذشت،
 اظهار نظر های دو بازیگر در فضای
 مجازی خبرساز شد و واکنش های
 کاربران را به دنبال داشت. یکی
 صدیقه کیانفر بود، بازیگر
 پیش کسوت سینما که فیلمی از
 او منتشر شد و حال همه اهالی
 فیلم بهین هارا گرفت. دیگری هم
 هنما بود که با استوری وزنش در
 اینستاگرام، نمک روی زخم شد و
 فتنگی همه را دو برابر کرد.

در عضوی از بدنش حلول پیدا می کند. گایلاصلی او بیایب نب توچه کار گرانان است که همیشه دنبال چهره های جدید می گردند، در حالی که پیش کسوتانی هستند که مویشان را در این هنر سفید کرده اند و بهتر از هر کسی می توانند از عهده نقش هار برآیند. این بیکاری نه تنها باعث مشکلات روحی و جسمی شده، که همه مشکلات مالی هم به دنبال داشته است. پیش از این هم داستان زندگی سخت و محوم ثریا حکمت در از سر بی بولی مجبور شده بود چادر نشینی کند، همه را برانجاند. این روزها خیلی کم چهره بازیگران آشنا را در تلویزیون می بینیم از ثریا با اسمی که پای ثابت سریال های ما و مضان بود بگیرد تا غلامحسین طاهری که، اسال آن بیکار شده است. جمشید مشایخی خدا بیامرز هم اواخر عمرش از این موضوع ابراز ناراحتی کرده بود. احتمالاً به روی مدتی که ایفای کرد سریال پای فیلم باز شو خواد کرد تا از دل شکستگی اش کم شود ولی بازیگران پیش کسوت زیادی هستند که

حضورشان در سینما و تلویزیون کم‌رنگ شده و می‌شود و هنوز ویدئویی از آن‌ها در فضای مجازی پخش نشده است. همه این‌ها در حالی است که مسئولان طبق معمول فکری به حال دوران بازنشتی هنرمندان نکرده‌اند.

دارد ولی چه ربطی به فالوئر هایتان دارد؟ انتظار دارید یکی از فالوئرهای نزدیک برسد سراپدار را صد زن که در پارکینگ را باز کند یا ریموتان را بگیرد در دست راست؟ بهتر نیست یک جلسه با مدیر ساختمان؟ بگذارد و مشکلات سیستم گرمایشی را رفع کند؟ ما را هم با این سرگرائی که حتی نمی‌توانیم اجاره خانه‌مان را بدیمیم بگذارد، البته از این سبیل‌برنی‌ها آبدوغ خیار کی به به پشتوانه فالوئرهای صفحه اینستاگرامش فکر می‌کنند محبوبیت دارند و در نتیجه هر کاری کنند باز می‌توانند مردم هستند، کم نداریم. کاربران فضای مجازی انتقادهای تندی به بهاره رهنما کرده بودند و کاربری نوشته بود «ناراحت کننده ترین قسمت ویدیوی بهاره رهنما آن جاست که سعی می‌کنه با کمالاتش این انتقام گیری شخصیش رو حرکتی برای متضرر نشدن مردم در آینده نشون بده، مرسی خانم رهنما، ایستلا هر وقت خواستم تو ز زعفرانیه برج ۱۵، هیلپایردی بخرم یاد حرف شما هستم.»

خبرداغ

بر خورد قاطع با هتاکي در تلویزیون

مداح هتاک به اهل سنت بازداشت و رئیس شبکه ۵ از کارش برکنار شد

احد قدیمی که این روزها عکس و خبرهای مربوط به او را با تیر
 «مداح تناک به اهل سنت» به راحتی می‌شود در فضای مجازی پیدا
 کرد، بازداشت شد. قدیمی در بین مداح‌ها مشهور به حساب نمی‌آید
 ولی به نیت فامیلی‌اش امام‌محمد احمدی‌نژاد ظرفیت بالای برای
 خبرساز شدن داشته و دارد. او داماد پروین احمدی‌نژاد، خواهر
 رئیس‌جمهور سابق است و در مصاحبه‌ای که ۳ سال قبل
 با یک تلویزیون اینترنتی داشت، خودش را «با افتخار»
 احمدی‌نژادی معرفی کرد. قدیمی در آن مصاحبه
 به‌ای هم به ترانه علی‌دوستی زد و ورود فمینیسم به
 ایران را یک اتفاق بد دانست. قبل تر هم یک بار اظهار
 او درباره قمع‌نری حاشیه‌ساز شده بود.
 مداح سی‌ونه ساله قبلاً سمت دولتی هم داشته
 است، او چند سالی معاون حراست سازمان فروش
 و خودرو بوده است، تا بالاخره در سال دوم ریاست
 مدتی حسین روحانی از این سمت بر کنار می‌شود. در
 همدی همدی همدی مداحی مشغول بوده تا اینکه در شب
 امام حسن مجتبی (ع) در حین مداحی که به صورت زنده

از شبکه ۵ سیمای پخش می شده است، مطالب موهنی را مطرح می کند که باعث رنجش مردم، به ویژه هموطنان اهل سنت می شود.

به دنبال این اتفاق اگر چه مسئولان شبکه ۵ از مردم بابت قصورشان عذرخواهی کردند ولی مجری و عوامل برنامه و ناظران پخش شبکه ۵ بر کنار نشدند، بعد از آن هم علی سگسری رئیس رسانه ملی، جواد رمضان نژاد، مدیر شبکه ۵ سیمای را بر کنار کرد. مدتی بعد هم به توجیه به ابعاد این اتفاق و نظر رهبر انقلاب و علمای شیعه درباره حفظ حرمت بزرگان اهل سنت و پرهیز از هر گونه اختلاف افکنی، احد قدمی پس از باز جویی در شعبه شانزدهم دادسرای فرهنگ و رسانه و تفهیم اتهام، بازداشت و در نهایت به «قرار تأمین کیفری مناسب» آزاد شد تا رسیدگی به پرونده اقدام مخرب او با جدیت بیشتری از سوی دستگاه قضا دنبال شود. سخن گوی قوه قضائیه در اظهار نظری درباره این مداح هتاک گفت: «...اقدام او را یک اقدام عالمانه و عمدانه می دانیم، گرچه ممکن است این فرد توجیهاتی داشته باشد، ولی قابل پذیرش نخواهد بود.»



روایت

فاطمه سامانی

چہل پہلہ

هر طور حساب و کتاب می‌کنم، نمی‌شود. ما طبقه چهارم هستیم. هر طبقه را تا پله دارد با یک پاکرد، تا همکف تا و در هر طبقه سر هم می‌شود. چهل تا پله با دوتا پاکرد، می‌شود. نمی‌توانم! این را سر صحنی به زهر خانم، همسایه طبقه اول هم گفتم. وقتی هی اصرار می‌کرد که امشب نمان توی خانه و خودم می‌آیم می‌پریم به مسجد حرام! بیس گفتم که باین پاهای می‌جس و جانم نمی‌توانیم از بس چهل تا پله برابیم. می‌ماند خانه و تنها احیا می‌گیرم. بیس این‌طور گفتم اما نه کلویی سنگین بود. دلم می‌خواست که نمی‌گشای به عکس برتنی بالای اتاقچه می‌انداختم و آه می‌کشید. بلکه کمی از سنگینی سیناهم کم شود. می‌دانم که نمی‌شود. هر مرتضی توی قباب، شادی را روی دوشش گذاشته و رو به دوربین لیگند می‌زند. پشت سرش گندم ابرار بازم. اولین می‌باری که من توی کسب نیستیم. مهدی را چهار روم، اولین می‌زند. به که باهمیام از کار افتاده. شادی چهارساله بود. دکترا وال انگفتند به خاطر بارداری است. مرتضی هم می‌گفت: «جوش زن.» می‌گفتم: «چطور؟ انگار سابقه زده به باهمیام! لیگند می‌زند که «خیالت تخت من می‌خواهی آمده و مثل برق می‌زود.» اصلا تا مراداری می‌می‌خواهی چه کار؟ راست هم می‌گفت مرض مثل برق آمده بود و مثل برق می‌رفت، فقط تـا و او رفت، بعد مرتضی انگار صاصاعه جرئت پیدا کرد و بر گشت. بر گشت و ماندگار شد. من ماندم و چهار دیواری خانه و شادی.

چشم‌دار از قاب عکس می‌گیرد و به ساعت می‌دهد. چیزی تا اذنان نمانده، خوددار می‌کشد تا پای جالبیسی آمدن دستم به چادر نمی‌رسد. می‌گویم: «پاشو چون مادر بیبا چادر من رو از روی جالبیسی بده، پاشو قیوت بدم» دستم بالا می‌آید و گرنه خودم می‌دانشم... و اما دستم از پای جالبیسی و سعی می‌کنم دستم را بالا ببرم، اما نمی‌شود. دوباره ششادی از صدا می‌زنم: «بلند شو مادر قیوت‌تره...» از دیوار خانه صدا می‌آید اما از ششادی نمی‌دانم که داخل حال به شکم افتاده روی کاشی رنگ و روفته و سارخش نوی شویشک است. می‌خواهم کمی قد راست کنم اما کمرم یاری نمی‌کند. آخرین بار ششادی از صدا می‌زنم: «شادی خیر ببینی پاشو بیبا دیگه از وقت نماز گذشت». شادی غرغر کلان نوی چهار چوب در پیشانی می‌شود. «شادی یکم دیر بشه می‌شه؟» هیچی نمی‌گویم. به‌قد و بالا می‌کشم می‌کنم که به مرتضی رفته. چادر را می‌دهد دستم و بنا می‌کند که از اتاق بیرون برود. می‌گویم: «ششادی امشب چه کنیم؟» می‌حوصله سسر می‌چرخاند: «چیکار می‌خواهی بکنیم، شما بیای تو لویوزین دعا تا صبح و گریه و زاری... منم اگه صبا می‌آید اجازه بده خواب»

سُرسری تکان می‌دهم، می‌خواهم بهش بگویم که اسمال
بدر سالار هاجر دیگری می‌کند اما شب قدیم، قافید
زاد قشتن اینکه به افتاده شب قدیم، اسمال
مستفاوت است. شادی می‌رود و می‌بندم. سلام
خدا! نامزدی گوی که می‌دهم زهر خانم دوباره رنگ می‌زند.
چهار دارم به دقیقه؟ گویی را می‌گیرم و پیش از
آنکه اسمال بدهم، زهراتند می‌گوید: «هن به فکری
دارم؟» می‌گویم: «هان؟» می‌گویند: «طریق چهارم
تا کوچه، چهل به می‌شود اما پشت‌بام که فقط پنج
هوز دستم نیامده چه می‌گوید، می‌گویند: «خودم این پنج به کولت می‌کنم،
روم روم پشت‌بام زیر آسمان خدا و رو به گنبد آقا،
اجا می‌گیرم.»

میں تو عکس

قاجاق انسان درد اشد



پلیس مراکش یک خودرو که قاچاقچیان، مهاجران غیرقانونی را در داخل موتور و داشبورد آن پنهان کرده بودند، کشف کرد. در داخل این خودرو، یک دختر نوجوان و ۴ مرد دیگر که حدود بیست و بیست و یک ساله بودند، پنهان شده بودند. یکی از این مهاجران در پشت صندلی عقب و دو نفر دیگر آن‌ها در داخل داشبورد و نزدیک موتور خودروها پنهان شده بودند. این مهاجران با هدف یافتن یک زندگی بهتر در اروپا، با کمک راهنمایان در داخل این خودروها پنهان شده بودند که به دلیل نرسیدن اکسیرن و ایجاد مشکلات تنفسی و مشکلات فاصل به بیمارستان منتقل شدند.

پیام جالب یک مهاجر



عکس چادر یک مهاجر تازه به اروپا رسیده، این روزها در فضای مجازی داغ شده است. روی این چادر نوشته شده است «اگر دوست ندارید مهاجران به کشورتان بیایند، به سیاستمدارانی رأی ندهید که دوست دارند بمب‌هایشان را روی سر دیگر کشورها بریزند.»

